

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن موتور نشر کین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترخوار

شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ • ۱۷ صفر ۱۴۴۸ • ۱ آگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۴۱ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۹ • اذان صبح فردا ۳:۲۶ • طلوع آفتاب ۵:۱۳

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

### زنان

### بهبادهای روسی چگونه ساخته می شوند؟

یک مقاله در روزنامه لوموند به برنامه روسی به

نام «آلاپوگا استارت» پرداخته است. گزارش‌های خبری حاکی از آن است که این برنامه زنان جوان را از کشورهای آفریقایی و آسیایی به خدمت می‌گیرد و اخیرا به کشورهای آمریکای لاتین نیز گسترش یافته است. این برنامه تحت پوشش ارائه فرصت‌های آموزشی و شغلی در زمینه‌هایی مانند گردشگری و خدمات لجستیکی فعالیت می‌کند.

با این حال، تحقیقی که این روزنامه در گزارشی به قلم کلونی اوفری به آن پرداخته و جماران آن را منتشر کرده، نشان می‌دهد تعدادی از این زنان جوان در تاسیساتی در شهر آلاپوگا در جمهوری تاتارستان روسیه مشغول به کار می‌شوند، جایی که آنها در موتاز پهبادا شرکت دارند. این پهبادا پس از توسعه محلی تحت نام‌های «گران-۲» و «گران-۳» توسط روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌شوند.

بر اساس این گزارش، منطقه ویژه اقتصادی آلاپوگا از سال ۲۰۲۲ به یک مرکز اصلی برای تولید این پهبادا در روسیه تبدیل شده است. کمبود نیروی کار داخلی و تأثیر تحریم‌های غربی، مقامات و شرکت‌های مرتبط با این برنامه را به جست‌وجوی نیروی کار خارجی سوق داده است.

از سال ۲۰۲۴، عملیات جذب نیرو در آمریکای لاتین از طریق اقدامات تبلیغاتی گسترده در شبکه‌های اجتماعی، شامل استفاده از محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی و همکاری با اینفلوئنسرهای محلی برای تبلیغ این برنامه به عنوان فرصتی برای مهاجرت و کار، گسترش یافته است.

این تحقیق نشان می‌دهد این برنامه وعده‌های جذابی به زنان جوان می‌دهد، مانند دریافت حقوق ماهانه بیش از ۵۰۰ دلار، مسکن ارزان‌قیمت، پوشش هزینه‌های سفر به روسیه، علاوه بر تضمین‌های اجتماعی و ثبات شغلی. اما کارگران سابق از آفریقا تصویر متفاوتی را ترسیم می‌کنند، زیرا آنها از شرایط کاری سخت و ساعات کاری طاقت‌فرسا، قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی خطرناک، محدودیت در آزادی حرکت و حتی اتهامات سوءاستفاده و مصادره گذرنامه‌ها هنگام تلاش برای خروج صحبت کرده‌اند.

همچنین این گزارش توضیح می‌دهد مسکو نه‌تنها از برنامه «آلاپوگا استارت» برای تأمین نیروی کار برای کارخانه‌های نظامی خود استفاده می‌کند، بلکه آن را بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای تقویت نفوذ خود در آمریکای لاتین می‌داند؛ منطقه‌ای که روسیه آن را میدان مهمی برای رقابت با نفوذ آمریکا می‌داند.

تحلیلگران معتقدند موفقیت مسکو در جذب نیروی کار از کشورهای دور از نظر جغرافیایی، منعکس‌کننده توانایی شبکه‌های رسانه‌ای و سیاسی آن در تأثیرگذاری است که از روابط تاریخی بازمانده از دوران جنگ سرد بهره می‌برد.

این گزارش همچنین برجسته می‌کند نفوذ روسیه در منطقه فقط به حوزه صنعتی محدود نمی‌شود، بلکه شامل عملیات جذب مبارزان برای شرکت در جنگ اوکراین نیز می‌شود، به طوری که گزارش‌ها به اعزام هزاران کوبایی برای جنگ در جبهه دونباس اشاره کرده‌اند.

برنامه آلاپوگا استارت اهداف اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی را ترکیب می‌کند و از این طریق نیروی کار ارزان برای صنعت پهبادا را در اختیار مسکو قرار می‌دهد.

کارشناسان معتقدند تبلیغات روسیه، از طریق رسانه‌هایی مانند اسپوتنیک و روسیه امروز اسپانیایی‌زبان، علاوه بر شبکه‌های اینفلوئنسرهای محلی، در بهبود چهره روسیه در میان برخی از اقشار جامعه در آمریکای لاتین نقش دارد. در مقابل، برخی از محققان در توانایی این استراتژی برای ادامه طولانی‌مدت تردید کرده‌اند، با این استدلال که روسیه دیگر مانند گذشته یک قدرت بزرگ نیست و وابستگی فزاینده آن به عملیات نفوذ و تأثیرگذاری نشان‌دهنده تلاشی برای جبران کاهش توانایی‌های ستی آن است.

تحلیل‌های مندرج در گزارش به این نتیجه می‌رسند برنامه آلاپوگا استارت اهداف اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی را ترکیب می‌کند و از این طریق نیروی کار ارزان برای صنعت پهبادا را در اختیار مسکو قرار می‌دهد و در عین حال ابزاری برای تقویت حضور سیاسی آن در خارج از مرزهایش است.



جاف در شهرستان لنگرود استان سر سبز گیلان، یکی از قطب‌های مهم تولید محصول هندوانه در کشور، روزهای برداشت را سپری می‌کند. کشت این محصول همه ساله از اواسط فروردین تا اواسط اردیبهشت انجام می‌شود و برداشت آن نیز از اواسط تیر آغاز و تا اوایل شهریور ادامه دارد. عکس: الهه فالاح، باشگاه خبرنگاران جوان

## شاخصه‌های فقر



پویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

کشور فروتمند محسوب می‌شود؛ حال آنکه می‌دانیم کاملاً برعکس است. اساساً فقر در ایران را می‌توان یک متغییر هنجاری یا نرماتیو محسوب کرد. در یک اقدام تقریباً مورد قبول، یکی از شاخص‌های فقر دسترسی به میزان کاری دریافتی در روز است. اگر کسی نتواند درآمد کافی برای تهیه غذاهایی که این میزان کالری را به شخص منتقل می‌کند، داشته باشد، فقیر محسوب می‌شود. به‌طور کلی، سه معیار برای سنجش فقر تعریف می‌کنند که شامل سبدی از نیازهای کالا (مصرف یک سبد خاص از کالها)، روش هزینه کل و روش درآمد کل است. نکته مهم در کشور ما، رابطه بین فقر و توزیع درآمد است. برخی از اقتصاددانان را معتقدن در رابطه‌ای مشخص و قطعی بین این دو مؤلفه وجود ندارد. توزیع نامناسبی در آمد به معنای فقر نبوده و البته حالت عکس هم برقرار است. اگر یک کیلو نان را بین پنج نفر به‌طور عادلانه تقسیم کنیم، باز هم هیچ‌کدام غذای کافی نخواهند داشت.

اینکه برخی فکر می‌کنند یارانه‌ها می‌توانند عاملی زائل‌کننده فقر باشند، چندان تلیذشده نیست. هرچند نمی‌توان از اهمیت و لزوم پدیده هدفمندشدن یارانه‌ها و توزیع مجدد آن گذشت، اما دو عملکرد فوق‌الذکر نیز

#### سبزخوانی

## آن سوی آتش



سعیدنبی

مستندساز

سوخت گیاهی و افزایش شدت آتش‌های بعدی انجامیده است. پدیده‌ای که پژوهشگران آن را «تله خاموش‌سازی» می‌نامند. در نتیجه، سیاست عمومی آمریکا از خاموش‌کردن صرف آتش به مدیریت خطر، کاهش بار سوخت گیاهی، آتش‌سوزی‌های کنترل‌شده، پایش ماهواره‌ای و برنامه‌ریزی برای نواحی تماس جنگل و سکونتگاه‌های انسانی تغییر کرده است. گزارش‌های تحلیلی نیویورکتایمز، واشینگتن‌پست و لس‌آنجلس‌تایمز نیز بارها تأکید کرده‌اند بحران آتش، پیش از آنکه بحران تجهیزات باشد، بحران تغییر اقلیم، کاربری زمین و از همه مهم‌تر حکمرانی است. کانادا نیز پس از تجربه آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه، مفهوم «هم‌زیستی با آتش» را وارد ادبیات سیاست‌گذاری کرد. دانشگاه بریتیش‌کلمبیا و سرویس جنگل‌داری کانادا نشان داده‌اند سرمایه‌گذاری در آموزش جوامع محلی، سامانه‌های هشدار سریع، مدیریت پوشش گیاهی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی، از نظر تحلیل هزینه‌فایده، بسیار کارآمدتر از اتکای صرف به عملیات اطفای حریق است. در شرق آسیا، کره جنوبی پس از آتش‌های گسترده سواحل شرقی، ساختار فرماندهی بحران را اصلاح و ظرفیت نهادی خود را بازسازی کرد. ژاپن مدیریت آتش جنگل را در چارچوب مدیریت یکپارچه بحران و مسئولیت‌پذیری دولت‌های محلی سامان داده است. جایی که سرمایه اجتماعی، مکمل دولت است، نه جایگزین آن. در تایلند نیز مطالعات دانشگاهی نشان می‌دهد بخش مهمی از آتش‌سوزی‌ها، نتیجه تعارض میان سیاست‌های کاربری زمین، معیشت جوامع محلی و ضعف مدیریت

در حوزه اقتصاد خرد و ازجمله سیاست‌های این حوزه از اقتصاد هستند. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از کارکردهای حقیقی و واقعی سیاست‌های تخصیصی مجدد یارانه‌ها، می‌توان این‌گونه اظهار کرد که این سیاست قادر به چاره‌سازی دو پدیده شوم فقر و بیکاری نیست. توزیع مناسب‌تر درآمدها مسلماً موجب کاهش فقر مطلق می‌شود، اما بعید است بتواند «چاره» و «راه‌حلی» اساسی برای ریشه‌کن‌کردن این پدیده باشد. اگر ادعا شود بهبود وضعیت توزیع درآمدها (ناشی از تخصیص مجدد یارانه‌ها) قادر به ریشه‌کنی و علاج فقر خواهد بود، آنگاه مسلماً چنین ادعایی را نمی‌توان جدی و علمی تلقی کرد. از میان بردن فقر، راه‌حلی جز ورود به چرخه بلندمدت رشد اقتصادی ندارد. از سوی دیگر، لازم است سیاست‌گذار تصویری از شکاف موجود بین فقرا را هم در اختیار داشته باشد. علاوه بر این، با وجود اینکه نرخ فقر و شکاف فقر از معیارهای متداول و برطرف‌دار هستند، گاه دو معیار مذکور به نتیجه واحد نمی‌رسند. ممکن است نرخ فقر پایین‌تر کاهش فقر در جامعه باشد، ولی شکاف فقر، وضعیت رفاهی بین فقرا را بدتر نشان می‌دهد. به همین خاطر است که روش‌های پیچیده‌تر و جامع‌تری همچون شاخص‌های چندبعدی فقر در دستور محاسبه قرار می‌گیرد. یکی از رایج‌ترین این شاخص‌ها، شاخص فقر چندبعدی الکایر-فوستر است که برای محاسبه گستره و شدت فقر به کار می‌رود. شاخص مذکور، افراد فقیر را با استفاده از آستانه محرومیت و فقر شناسایی کرده که شامل پنج بُعد سلامت، آموزش، اشتغال، استانداردهای زندگی و مسکن است و هرکدام نیز چندین معیار دارند. چندی قبل معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از شیوه جدید اندازه‌گیری فقر درآمدی و فقر چندبعدی در ایران با به‌کارگیری داده‌ها و آمار موجود خبر داد.

منابع مشترک است. از همین رو، راه‌حل فقط در خاموش‌کردن آتش خلاصه نمی‌شود، بلکه در اصلاح حکمرانی سرزمین، مشارکت ذی‌نفعان و هماهنگی میان نهادهای عمومی معنا پیدا می‌کند.

وجه مشترک همه این تجربه‌ها آن است که آتش‌سوزی جنگل، مسئله‌ای صرفاً محیط‌زیستی نیست؛ مسئله‌ای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. نابودی جنگل فقط به کاهش پوشش گیاهی نمی‌انجامد، بلکه هزینه فرصت توسعه را افزایش می‌دهد، امنیت آبی را تهدید می‌کند، سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد، نابرابری‌های منطقه‌ای را تشدید می‌کند و تاب‌آوری سرزمین را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، بسیاری از دولت‌ها حفاظت از جنگل را بخشی از سیاست امنیت ملی و امنیت زیست‌محیطی خود می‌دانند. در ایران اما همچنان بحث اصلی بر سر تعداد بالغ‌درها، خودروهای آتش‌نشانی یا دمنده‌هاست. این تجهیزات ضروری‌اند، اما مسئله اصلی نیستند. مسئله، نبود حسابداری سرمایه طبیعی، ضعف هماهنگی میان نهادهای مسئول، غلبه مدیریت واکنشی بر مدیریت پیشگیرانه، تکرار الگوهای ناکارآمد گذشته و ناتوانی در تبدیل دانش دانشگاهی به سیاست عمومی است. زاگرس، ستون فقرات اکولوژیک ایران است. امنیت آب، امنیت غذایی، پایداری خاک، کاهش ریزگردها، تلاوم کشاورزی و حتی بخشی از ثبات اجتماعی مناطق غربی کشور به سلامت این جنگل‌ها وابسته است. هر هکتار جنگل سوخته، فقط چند درخت ازدست‌رفته نیست، بخشی از ثروت بین نسلی ایران است که بازسازی آن دهه‌ها زمان می‌برد و گاه هرگز ممکن نمی‌شود. آتش‌سوزی‌هایی که از اول تیر امسال آغاز شده، آزمون‌نی برای توان اطفای حریق نبوده؛ آزمون‌نی برای کیفیت حکمرانی توسعه در ایران بود. کشوری که سرمایه طبیعی خود را از محاسبات اقتصادی حذف کند، ناگزیر هزینه آن را در قالب بحران آب، کاهش بهره‌وری اقتصادی، فرسایش سرمایه اجتماعی و تشدید مخاطرات اقلیمی خواهد پرداخت. زاگرس با شعله‌های آتش از میان نمی‌رود؛ زاگرس از روی روی به زوال می‌گدازد که ارزش آن از معادلات توسعه حذف شود. شاید بزرگ‌ترین آتش زاگرس، همان آتشی باشد که سال‌هاست در ذهنیت سیاست‌گذاری ما روشن مانده است.

۲۵

## درصد

آناتولی نوشت: طبق گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، زنان و دختران همچنان بیشترین سهم قربانیان قاچاق انسان در سراسر جهان را تشکیل می‌دهند. این گزارش نشان داد موارد قاچاق کشف‌شده بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ میلادی ۲۵ درصد افزایش یافته است و طبق این گزارش کودکان ۳۸درصد از کل قربانیان، شامل ۲۲ درصد دختر و ۱۶ درصد پسر را تشکیل می‌دادند. در میان بزرگسالان نیز ۳۹ درصد زن و ۲۳ درصد مرد بودند. زنان و دختران به طور عمده برای استثمار جنسی قاچاق شدند و به ترتیب ۶۴ درصد و ۲۸ درصد از قربانیان مورد سوءاستفاده جنسی را تشکیل می‌دادند. مردان و پسران هرکدام سه درصد را تشکیل می‌دادند. ۳۱درصد از قربانیان شناسایی‌شده را اتباع کشورهای آفریقایی تشکیل می‌دهند.

### جنگ‌خوانی

#### در ستایش آنان که میانه آتش

#### ودود، پل می‌سازند

#### مجیدفرجامی

در این چند ماهی که کشورمان روزهای سخت جنگ و تجاوز را پشت سر می‌گذارد، بارها از مدافعان وطن، سربازان و فرماندهان، امدادگران، کادر درمان، نیروهای امدادی، جهادگران و... گفته‌ایم؛ و حق هم همین است.

اما در همین روزها، تلاشگران و قهرمانان دیگری هم بوده‌اند... قهرمانانی که شاید کمتر دیده شده‌اند، اما اگر نبودند، زندگی مردم از حرکت می‌ایستاد.

کسانی که بی‌وقفه جریان برق را دوباره برقرار کردند و نگذاشتند چراغ خانه‌های مردم خاموش بماند.

بله... منظوم کارگران، تکنیسین‌ها و مهندسان این سرزمین است. اما چیزی که عجیب است، توجه اندک جامعه مهندسی به این تلاش‌ها و توانمندی‌هاست.

به عنوان یک مهندس این سؤال مرتب در ذهنم می‌چرخد که چرا ما مهندسان کمتر از همکارانمان می‌گوییم؟ چرا این‌همه تخصص، ایثار و تلاش را روایت نمی‌کنیم؟

بازسازی سهرورد پل راه‌آهن رضآباد کاشان، رفع مشکل آب ده‌ها روستا در پی حمله به منابع آب هرمزگان در حدود ۲۴ ساعت، کارکردن در شرایط سخت در زیر سروسدای هواپیم‌ها و موشک‌باران دشمن، وصل‌کردن دوباره خطوط انتقال نیرو، تأمین آب و برق در کوتاه‌ترین زمان ممکن، فقط یک کار فنی نبوده و نیست؛ اینها نمایش توان، دانش، مدیریت و ایمان به «ما می‌توانیم» است.

در روزگار همه‌گیری کرونا، کادر درمان در حافظه مردم ماندگار شدند؛ امروز هم باید تلاش مهندسان، کارگران و تکنیسین‌هایی که اجازه نمی‌دهند زندگی در این سرزمین متوقف شود، دیده و روایت شود.

روایت‌کردن، فقط قدردانی نیست؛ ادای این دین است. ثبت بخشی از تاریخ این سرزمین است.

بیباید این‌بار ما راوی تلاش همکاران خودمان باشیم.

بگذاریم آیندگان بدانند که در روزهای سخت، فقط نظامیان از این سرزمین دفاع نکردند؛ تکنیسین‌ها و مهندسان در کنار سایر اقشار و مردم با دانش، تخصص، همت و دست‌ان توانمندشان، ساختند و ساختند و ساختند و نگذاشتند ایران از حرکت بایستد.

### آینده‌خوانی

### انسان باهوش تراست یا هوش مصنوعی؟

مقاله جدید گوگل به قلم «تام زهایو» عنوان جالبی دارد: «مدل‌های زبانی نمی‌توانند بیرند». طبق این مقاله، فرایند تفکر انسانی و ماشین به سه شیوه استدلال، استقرا، قیاس و فرضیه‌سازی تقسیم می‌شود.

مدل‌های هوش مصنوعی به لطف تشخیص الگوهای آماری و فشرده‌سازی انبوه داده‌ها، در استدلال استقرایی به درجه بالایی از استادی رسیده‌اند.
همچنین سیستم‌های پیشرفته‌ای مثل آلفاگروف توانسته‌اند در استدلال قیاسی به موفقیت‌های زیادی دست یابند.
بااین‌حال، هوش مصنوعی در فرضیه‌سازی لنگ می‌زند؛ توانایی منحصربه‌فردی که به انسان امکان می‌دهد در شرایط کمبود شدید داده‌ها، فرضیه‌های کاملاً جدیدی خلق کند.
«یورگن اشمیدهودبر»، دانشمند علوم کامپیوتر از دانشگاهان هوش مصنوعی، پیش‌تر کشف علمی را فقط صورتی پیشرفته از فشرده‌سازی داده‌ها خوانده بود.
اما مقاله جدید گوگل دیدمایند این دیدگاه را رد می‌کند و برای اثبات ادعای خود به روند شکل‌گیری نظریه نسیت عام توسط «آلبرت اینشتین» استناد می‌کند.
اینشتین هنگام توسعه این نظریه نوآورانه با کمبود شدید داده‌های بصری و تجربی مواجه بود و مجموعه‌ای از داده‌های آماری را برای تحلیل یا فشرده‌سازی در اختیار نداشت. او در عوض بر آزمایش‌های فکری تجسم‌یافته می‌بود؛ مانند تصور حس واقعی فردی که داخل یک آسانسور بسته در حال سقوط آزاد است.
اینشتین توانست فقط با به‌کارگیری شهود فیزیکی و پیوندادن تجربیات حسی، اصول ریاضی جدید را پایه‌گذاری کند.
یک مدل زبانی بزرگ می‌تواند محاسبات پیچیده ریاضی را پس از دریافت فرضیات اولیه اینشتین انجام دهد، اما هرگز نمی‌تواند چنین فرضیات بکسری را صرفاً از طریق تحلیل متن‌های موجود ابداع کند.